



قلعه طبرک

## بررسی دین و مذهب مردم اصفهان در دوره آل بویه

مرضیه راعی

آیا مردم ناگهانی از زرتشتی‌گری به تشیع گرایش پیدا کرده‌اند؟  
آیا این تغییر با خشونت صورت گرفته است؟  
آیا اگر بدانیم اصفهان در ابتدا به یکی از مراکز اهل سنت تبدیل شده این تغییر عجیب‌تر نخواهد بود؟

۱- «اردشیر در اصفهان به یک روز سه آتشکده ساخت: یکی را هنگام برآمدن آفتاب، و دیگری را هنگام ظهر که خورشید در میانه آسمان باشد، و سومی را هنگام غروب آفتاب. نخستین به نام شهر اردشیر در جانب قلعه مارین [در مجمل‌التواریخ، مارقانان آمده است، که همان ماریانان و ماریین است] که شهر نام شفق و اردشیر نام بهمن (خود وی) است، دوم به نام آتشکده فروان اردشیر در قریه دارک از روستای خوار [در مجمل‌التواریخ، برخوار آمده است و البته این درست است، زیرا دارک محلی است بالاتر از زینبیه فعلی و آثار قلعه‌ای تاریخی تا همین اواخر در آن مشهود بود]، سوم آتشکده مهوردشیر در قریه اردستان.» به نقل از تاریخ پیامبران و شاهان (تاریخ نسی ملوک‌الارض و الانبیاء). اثر حمزه بن حسن اصفهانی، ترجمه دکتر جعفر شعار، از انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۸. [۱]

وقتی از اصفهان به سمت غرب حرکت کنی قبل از آنکه به نجف آباد برسی، باید از محلی به نام آتشگاه بگذری. در کنار جاده صخره‌ای بزرگ با بازمانده‌های بنایی قدیمی را می‌یابی معروف به کوه آتشگاه که ذهن را به کلمه آتشکده معطوف می‌کند. این آتشکده از گذشته‌های دور تا مدتهای مدید روشن بوده است. در منطقه بر آن در شرق اصفهان هم که از این محل فاصله‌ای نسبتاً طولانی دارد، بقایای آتشکده‌ای جلب نظر می‌کند. به هر حال اگر توسن خیال خود را به پرواز درآوریم و این آتشکده‌ها را روشن تجسم کنیم، به زمان قبل از اسلام خواهیم رسید که مردم اصفهان تقریباً همگی پیرو آیین زرتشت بوده‌اند و چند آتشکده روشن در اطراف اصفهان وجود داشته است.<sup>۱</sup> وقتی چنین شهری را در کنار اصفهان امروز - به عنوان یکی از پایگاههای تشیع - بگذاری، احتمالاً سؤالاتی به ذهن خواهد رسید که؛  
آیا این تغییر، آن‌هم به این وسعت چگونه صورت گرفته است؟

به هر حال در این مقاله کوشش می شود به پرسشهای ذکر شده به فراخور پاسخ داده شود.

در زمان ساسانیان، دین جدیدی به جهانیان عرضه شد که پیامبرش خاتم الانبیاء بود. شاید اگر پادشاه ایران «خسرو پرویز» می دانست این دین، چگونه طومار دین زرتشت را در هم خواهد پیچید، هرگز دعوتنامه رسول خدا (ص) را به آن شکل پاره نمی کرد.

اسلام از قبایلی که در تمام قرون با هم به جنگ و نزاع می پرداختند، به شکل معجزه آسایی یک امت واحد ساخت. اینان پس از مدتی برای گسترش آیین خود دست به کشورگشایی زدند، زیرا دین جدید، دعوی جهانشمولی داشت.

تعجب در آنجاست که اسلام به پیروان خود اجازه نمی دهد کسی را به زور شمشیر وادار به پذیرش آن کنند، بلکه اعلام می دارد هر کس بخواهد می تواند به شرط پرداخت جزیه بر دین خود باقی بماند.

به هر حال مردم اصفهان ابتدا به هیچ وجه این آیین را نپذیرفتند و همگی حاضر به پرداخت جزیه شدند و بر دین زرتشت باقی ماندند.<sup>۲</sup> اما مسأله به همین سادگی باقی نماند. عده ای از مبلغان دین نورسیده، برای معرفی آن به اقصی نقاط جهان سفر کردند. نام جبلة بن رسته از اصحاب پیامبر اسلام (ص)، در بین کسانی که به اصفهان آمدند به چشم می خورد.<sup>۳</sup>

از طرفی از آنجا که اصفهان منطقه بسیار خوش آب و هوا و پر نعمتی بود، برای اعرابی که همیشه در بیابانهای خشک و سوزان زندگی کرده بودند، و سوسه مهاجرت را ایجاد می کرد. بنابراین عده ای از اعراب مسلمان به اصفهان آمدند و با خود راه و روش عملی اسلام را آوردند. طبعاً حشر و نشر مردم اصفهان با آنان در آشنایی مردم با این دین به شکل طبیعی بسیار مؤثر بود.

از آنجا که اسلام تفوق فرهنگی بر دین زرتشت داشت و شاید به همین علت اعلام کرده بود که هر کس میل نداشته باشد می تواند به شرط پرداخت جزیه بر دین گذشته باقی بماند، آرام آرام شروع به

گسترش کرد و در قلب مردم جای گرفت. اما متأسفانه در مرکز حکومت مسلمانان اتفاقاتی افتاد که به نوعی انحرافی در آن به حساب می آمد و به جای علویان ابتدا امویان و بعد از آن عباسیان، زمام حکومت را به دست گرفتند. این مسأله تأثیر خودش را بر تمام سرزمینهای تازه فتح شده هم گذاشت.

بنابراین والیانی را که حکومت مرکزی به اقصی نقاط ایران اعزام می کرد همگی سنی مذهب بودند. اصفهان نیز از این امر مستثنی نبود. اینان تعصبات دینی خود را به همراه داشتند و اصفهانی ها هم بر اساس حدیث «الناس علی دین ملوکهم» به روش ایشان گرایش پیدا کردند. ابتدا بزرگان شهر برای آنکه با قدرت مرتبط باشند، متمایل به مذهب عاملان شدند و بعد مردمی که در ارتباط با این بزرگان بودند به مذهب عاملان گرایش پیدا کردند و بعد آرام آرام سایر مردم هم به آنان پیوستند.

اما یک نکته که نباید ناگفته بماند آن است که از میان گرایشهای اهل سنت، مذهب حنبلی که بیشترین تفاوت را با تشیع دارد، گرایش عمومی مردم اصفهان بود. به خصوص احمد بن حنبل که به مدت یک سال عهده دار منصب قضاوت در اصفهان بود،<sup>۴</sup> در گسترش این مذهب کوشید و این روند تا به جایی پیش رفت که «مقدسی» وضعیت مذهبی اصفهان را در قرن چهارم هجری این گونه وصف می کند: «مردم اصفهان اهل سنت و جماعتند... حنبلیانی درشت خوینند»<sup>۵</sup>

حکایت زیر نشان دهنده افکار بعضی از مردم آن زمان است: «نوشته اند عابدی از مردم اصفهان را در

۲- محمد بن علی اعثم، الفتوح، الجزء الاول، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶، ص ۳۱۴.

۳- الحافظ ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق سید حسن کسروی، المطبعة الاولى، الجزء الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰، ص ۱۰۴.

۴- پیشین، ص ۴۰۹.

۵- ابو عبدالله احمد بن محمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ص ۵۸۹-۵۸۰.

از آنجا که اسلام تفوق فرهنگی بر دین  
 زرتشت داشت و شاید به همین علت  
 اعلام کرده بود که هر کس میل  
 نداشته باشد می تواند به شرط  
 پرداخت جزیه بر دین گذشته باقی بماند،  
 آرام آرام شروع به گسترش کرد  
 و در قلب مردم جای گرفت.

غاری به عبادت دیده که می گفت: از حضرت صاحب زمان رنجیده ام. پرسیده اند: چرا، از چه رنجیده ای؟ گفته بود: شنیده ام معاویه بن ابی سفیان را از پیامبران اولوالعزم نمی شمارد! با چنین شرایطی بسیار طبیعی است که اصفهانی ها از ارادتمندان معاویه باشند و فضای اصفهان ضد شیعی باشد. چنانکه گفته اند وقتی ابوالولید عبدالله بن محمد کنانی اصفهانی متمایل به شیعه شد، حاکم وقت ابودلف او را چهل ضربه شلاق زد و کتابی در رد عقاید او نوشتند.<sup>۷</sup> اصفهانیان به دلیل سنی بودن رابطه خوبی با اهل قم که شیعه بودند نداشتند. چنانکه مؤلف خلاصة البلدان در باب اختلافات مذهبی مردم میان این دو منطقه چنین می نویسد: «گویند که اصفهانی از قمی پرسید از کدام شهری؟ پس قمی جواب گفت از شهر دندانکنان. مرد اصفهانی فرو ماند و گفت معنی و مفهوم نیست. قمی گفت معنی آن است که چون بگویم قمی تو گویی آه و از این مفهوم می شود که قمی نباشد الا شیعه و اصفهانی نباشد الا سنی»<sup>۸</sup> به هر حال عوامل متعددی به جو ضد شیعی اصفهان کمک می کرد که اصلی ترین آن همچنان گرایش ضد شیعی حاکمان بود. وجود قم به عنوان یک مرکز شیعه در کنار اصفهان باعث می شد که اگر کسی شیعه شود اصفهان را ترک کند و به قم برود. همان طور که وقتی عده ای از اهل سنت در جنگ جمل شکست خوردند و موطن خود را تنگ دیدند مهاجرت کرده و به اصفهان آمدند که برای آنها جای امنی به حساب می آمد، مثل بنی ضبه.<sup>۹</sup> این موارد خود به تنگ کردن فضای ضد شیعی شهر کمک می کرد.

البته نباید تصور کرد که هیچ فعالیت شیعی در اصفهان به چشم نمی خورده است. در یک دوره کوتاه، شهر حتی صاحب حاکم شیعی شد. شخصی به نام یزید بن قیس ارجسی که شیخ طوسی او را به عنوان یکی از رجال حدیثی و استنادار اصفهان، ری و همدان از سوی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) معرفی می کند.<sup>۱۰</sup> و مخنف بن سلیم که عهده دار ولایت اصفهان شد.<sup>۱۱</sup> وی از روابان سنن اربعه بود. در این زمان شیعیانی بودند که در اقلیت کامل، به تبلیغ تشیع می پرداختند ولی تأثیر محسوسی بر شهر نداشتند. مانند ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی - ابن هلال - که برای تبلیغ کتاب خود به نام «المعرفة» که در فضایل حضرت امیر (ع) بود به اصفهان آمد و تا سال مرگ خود ۲۸۳ هـ ق در این شهر زیست.<sup>۱۲</sup>

به هر حال امروز که اصفهان از مراکز تشیع به شمار می رود این سؤال به ذهن متبادر می شود که چگونه این فضای ضد شیعی متعصب جای خود را به شیعه یکدست داده است؟  
 برای پاسخ به این سؤال ناچار باید شرایط کلی آن روزگار را تا حدی گوشزد کنیم.  
 امویان و عباسیان با طرز حکومت و مملکت داری خود از جاذبه دین جدید کاستند و در

۶- میرزا حسن خان جابری انصاری. تاریخ اصفهان و ری، بی جا، روزنامه و مجله خرد، ۱۳۲۱، ص ۹.  
 ۷- الحافظ ابو نعیم. ذکر اخبار اصفهان، الجزء الثاني، ص ۱۰.  
 ۸- صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی. خلاصة البلدان، به اهتمام حسین مدرسی، قم، حکمت، بی تا، صص ۱۶۴-۱۶۳.  
 ۹- میرزا حسن خان جابری انصاری. تاریخ اصفهان و ری، ص ۹.  
 ۱۰- ابن جعفر محمد بن الحسن الطوسی. رجال طوسی، حفته و عنق علیه و قدم له محمد صادق آل بحر العلوم نجف الاشرف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱، ص ۶۲.  
 ۱۱- مهدی فقیه ایمانی. تاریخ تشیع اصفهان، چاپ اول، اصفهان، مؤلف، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵.  
 ۱۲- ابواسحاق محمد بن هلال. الفارات، ترجمه عبدالحمید آیتی، چاپ اول، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۹.

## امویان و عباسیان با طرز حکومت و مملکت‌داری خود از جاذبه دین جدید کاستند و در ضمن به علت اختلافات دایمی خود باعث کاهش اقتدار دولت مرکزی شدند.

علی، حسن و احمد از طرف خلیفه مستکفی<sup>۱۶</sup>  
لقبهای عمادالدوله، رکن‌الدوله و معزالدوله  
گرفتند.<sup>۱۷</sup>

دوره حکومت بوئیان بر اصفهان را می‌توان به  
سه دوره تقسیم کرد. دوره اول: پادشاه دیلمی  
شخصاً در شهر حضور داشت و از همین جا قلمرو  
خود را اداره می‌کرد که این همان دوره‌ای است که  
اصفهان نقش پایتخت بوئیان (شعبه ری) را بر عهده  
داشت. ۳۳۵-۳۲۳ ه.ق.

دوره دوم: با استقرار حسن رکن‌الدوله در ری

۱۳- اصحاب و یاران و پیروان زید بن علی بن حسین بن علی بن  
ایبطالب، سومین فرزند امام سجاد(ع) را زنده می‌گویند. زید  
در مذهب زیدیه که امامت را به قیام با شمشیر مشروط  
می‌دانند، امام پنجم است و زیدیه او را جانشین پدر می‌دانند:  
علی محمد مولوی، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، جلد  
اول، تهران: بعثت، ۱۳۶۷، ص ۱۲۷.

۱۴- ناحیه‌ای است در مرکز ایران شامل ایالات و ولایات  
مرکزی واقع بین اصفهان و همدان و تهران و مشتمل بر  
شهرهای ذیل: کرمانشاهان، همدان، ملایر، اراک، گلیپایگان و  
اصفهان، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۱۱۶۷.

۱۵- عزالدین علی بن اثیر. تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران،  
جلد هشتم، چاپ دوم، بی‌جا، مؤسسه مطبوعاتی علمی،  
۱۳۶۵، ص ۲۹۴.

۱۶- ابوالفداء الحافظ ابن‌کثیر. البدایة و النهایة، الجزء الحادی  
عشر، ص ۲۱۲.

۱۷- آل‌بویه چون در فاصله حکومت عربها که تا قرن چهارم  
ادامه داشت و سلطه ترکها از قرن پنجم آغاز شد تشکیل  
حکومت دادند و عملکردی کاملاً ایرانی داشتند از طرف  
مینورسکی به‌عنوان میان‌پرده ایرانی نامیده شده‌اند. آنان سه  
مرکز عمده داشتند که عبارت بود از الف - عراق که کرسی آن  
بغداد بود. ب - فارس و کرمان که کرسی آن شیراز بود.  
ج - جبال که کرسی آن اصفهان و ری بود. آل‌بویه حکومتی  
نظامی - اداری داشتند. جوئل کرمر، احیای حیات فرهنگی  
آل‌بویه اصفهان، صص ۷۴-۷۳.

ضمن به علت اختلافات دایمی خود باعث کاهش  
اقتدار دولت مرکزی شدند. این انحراف از ایده‌های  
اصیل دین نورسته به جایی رسید که بر خلاف نص  
صریح این دین عملاً بین عرب و عجم تفاوت  
زیادی قایل شدند و به نام حکومت اسلامی به  
مردم به‌خصوص نسبت به غیر عرب ظلم‌ها روا  
داشتند، در نتیجه عده‌ای مخالفت خود را با  
حاکمان و دین آنها توأمان آغاز کردند. اما به علت  
تفوق مطلق فرهنگی اسلام بر کیش‌های زمانه، این  
دین همچنان پا برجا ماند. اما گروهی حساب اسلام  
را از حاکمان آن جدا کردند و به نام همان آیین، علم  
مخالفت برداشتند. در چنین شرایطی تشیع به علت  
ماهیت ضد ظلم بودن و طرفدار مظلوم بودن نقش  
مهمی ایفا کرد و نهضت‌های شیعی متعددی شکل  
گرفت و گاهی به تأسیس سلسله‌های مستقل  
انجامید که اینها بعداً به‌عنوان یک جزء در تضاد با  
کل حکومت مرکزی قرار می‌گرفتند و تحلیل  
می‌رفتند و بیشتر شبیه یک میان‌پرده بود. یکی از  
میان‌پرده‌ها، مربوط به عبدالله بن معاویه در قالب  
دولت شیعی زیدیه<sup>۱۳</sup> است که به مدت ۲ سال بر  
اصفهان حکومت راند. وی در سال ۱۲۷ ه.ق در  
کوفه قیام کرد و به رغم نمایش دلیری، شکست  
خورد و به ایران آمد. عراق عجم را<sup>۱۴</sup> - که اصفهان  
جزئی از آن است - تصرف کرد و تشکیل حکومت  
داد، ولی همان‌طور که ذکر شد پس از دو سال در  
جنگ با ابن‌جبیره والی عراق شکست خورد و  
مجبور به ترک اصفهان و پناه‌بردن به ابومسلم  
خراسانی شد.<sup>۱۵</sup> این مدت آن‌قدر نیست که تأثیری  
همه‌جانبه و عمیق بر فضای شیعی شهر بگذارد ولی  
به هر حال بی‌تأثیر هم نبوده است.

و اما میان‌پرده مهم بعدی مربوط به دوره  
حکومت آل‌بویه است که نسبت به کوتاه بودن عمر  
زامداری حکومت خود، تأثیر بسیار زیادی بر  
اصفهان گذاشت.

سه برادری که حکومت آل‌بویه را تشکیل  
دادند، سرهنگانی بودند که به علت  
بی‌ثباتی حکومت مرکزی بیعت خود را بازیگوشانه  
از ولی نعمتی به ولی نعمت دیگر تغییر می‌دادند.

آغاز می‌شود که بیشتر زمان حاکمیت بوئیان را بر اصفهان شامل می‌شود که با وجود تغییر قرارگاه پادشاهان آل‌بویه، اصفهان همچنان دارای اهمیت بوده است. ۳۳۵-۳۸۱ ه.ق.

دوره سوم: زمان حکومت کاکویان<sup>۱۸</sup> در شهر تا فرود آمدن طغرل سلجوقی ادامه می‌یابد. ۳۸۷-۴۴۲ ه.ق.

زادگاه خاندان بویه دیلم بوده و به همین لحاظ است که به آل‌بویه، دیلمیان هم گفته‌اند. از طرفی دیلم مرکز حکومت زیدیه محسوب می‌شد و به همین دلیل بعضی گفته‌اند بوئیان زیدی‌مذهب بوده‌اند. به خصوص که در لشکرکشی به عراق پسر داعی علوی که زیدی‌مذهب بود حضور داشت.<sup>۱۹</sup>

در سال ۲۵۱ ه.ق به دستور معزالدوله بر درب مساجد بغداد نوشته شد: «لعنت بر معاویه و لعنت بر کسی که حق فاطمه (س) را در فدک غضب نمود و کسی که از دفن امام حسن (ع) کنار جدش جلوگیری کرد و لعنت بر کسی که ابوذر را تبعید کرد» و این عبارت، شب پاک شد و معزالدوله خواست آن را اعاده کند ولی وزیرش مهلبی توصیه کرد که نوشته شود: «خداوند ستم‌ورزان به رسول را لعنت کند.»<sup>۲۰</sup> آل‌بویه اولین دولتی بود که مراسم عزاداری در ماه محرم را (۲۵۲ ه.ق) معمول کرد.<sup>۲۱</sup> دلایلی در دست است که دلالت بر شیعه اثنی عشری بودن آل‌بویه می‌کند. شیعه زیدیه معتقد به نص صریح حضرت علی (ع) نیستند<sup>۲۲</sup> و بنابراین اینکه مراسم عید غدیر را آل‌بویه گرامی می‌داشتند دلیلی بر دوازده امامی بودن آنهاست. بوئیان ارتباط تنگاتنگی با عالمان شیعی خود چون شیخ صدوق و شیخ مفید داشتند. شیخ صدوق اشاره به اعتقاد ایشان به امام دوازدهم دارد.<sup>۲۳</sup> آخرین دلیل محکم، سکه‌ای است که در اصفهان ضرب شده و در آن کلام شیعی «علی ولی‌الله» به دنبال شهادتین در متن سکه آمده است.<sup>۲۴</sup>

بوئیان اولین دولت شیعی را در منطقه جبال<sup>۲۵</sup> اصفهان جزئی از آن است - به وجود آوردند، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق مردم منطقه اهل سنت بودند.<sup>۲۶</sup> کار دولت آل‌بویه بسیار مشکل بود،

زیرا اگر می‌خواست با تعصب و تندروی عمل کند به سرعت پایگاه خود را از دست می‌داد. همچنان که در ابتدای حکومت آنان، بین گروهی از اصفهانیان و تجار قمی درگیری سختی پیش آمد. ابن‌اثیر جریان را چنین می‌نویسد: «در آن سال میان مردم اصفهان و مردم قم فتنه برخاست. سبب آن اختلاف مذهب بود. گفته شد مردی از اهالی قم یاران پیامبر را دشنام داده بود. او از یاران شحنة اصفهان بود. اهالی شوریدند و از اطراف عده‌ای بی‌شمار جمع شدند و به خانه شحنة هجوم بردند و در آن شورش، جمعی کشته شدند. اهالی

۱۸- بعد از مرگ فخرالدوله پسرش به حکومت رسید. چون کودک بود مادرش «سیده»، عهده‌دار اداره مملکت شد. پس علاءالدوله کاکویه را که از خویشاوندانش بود به نیابت پسرش حاکم اصفهان کرد. این خاندان تا فتح اصفهان به دست سلجوقیان در این شهر حکومت کرد. **مجمعی التواریخ و القصص**، به تصحیح ملک‌الشعراء بهار، تهران، چاپخانه خاور، ۱۳۱۸، ص ۲۹۷.

۱۹- ابوعلی مسکویه. **تجارب الامم**، الجزء الثانی، مصر، شركة التمدن الصناعة، ۱۳۲۲، ص ۷۸.

۲۰- عزالدین علی بن اثیر. **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**، جلد چهاردهم، صص ۲۵۶-۲۵۱.

۲۱- ابوالفداء الحافظ ابن‌کثیر. **البدایة و النهایة**، الجزء الحادی عشر، ص ۲۴۳.

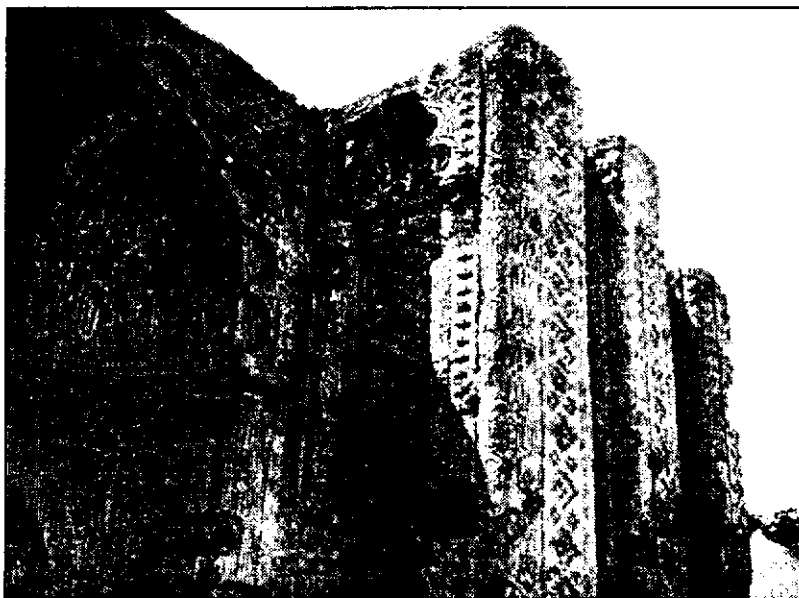
۲۲- رسول جعفریان. **تاریخ تشیع در ایران**، چاپ اول، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵.

۲۳- ابوجعفر محمدبن علی بابویه. **کمال‌الدین و تمام‌النعمة**، قم، مؤسسه‌النشر الاسلامی، ۱۴۰۵، ص ۸۸.

۲۴- قربان عزیززاده. **یک سکه استثنایی از دوره دیالمه**، مجله میراث فرهنگی، ش ۱۰ و ۱۱، پاییز ۱۳۷۲، صص ۷۸-۷۹.

۲۵- جبال از طرف غرب به آذربایجان، از طرف جنوب به بلاد عراق و خوزستان و از طرف شرق به بیابان خراسان و فارس و از شمال به دیلم محدود بوده است. اصفهان در منطقه جنوب آن قرار داشت: عمادالدین ابوالفداء. **تقویم البلدان**، پاریس، دارالطباعة السلطانیة، ۱۸۴۰، ص ۸۰۸.

۲۶- در شهر تعداد زیادی یهودی وجود داشت که از زمان بخت‌النصر به اینجا آمدند و نیز تعداد اندکی مسیحی، عده افراد زرتشتی در شهر آنقدر زیاد بود که تا زمان آل‌بویه آتشکده فروزان همچنان وجود داشت: احمدبن عمر رسته. **اعلاق‌النفسیه**، ص ۱۸۱.



سردر مسجد جورجیر

ششم در اصفهان، تعداد شیعیان آنقدر بود که طبق نوشته شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب *النقض مردم* مراسم عاشورا را آزادانه برپا می‌داشتند.<sup>۲۷</sup> و یا در زمان ملکشاه بن محمد سلجوقی (سلسله بعد از آل بویه)، اصفهانیان میل به مذهب باطنی (یکی از فرق شیعه) پیدا کردند. به طوری که کتاب *مجمّل التواریخ و القصص* در این باب چنین می‌نگارد: «در این عهد (زمان حکومت سلجوقیان) به اصفهان، مذهب باطنیان تازه کرده بودند و به هر جای دعوی و نواب گرفتند و قلعه‌های محکم به‌دست آوردند.»<sup>۲۸</sup>

حال این سؤال پیش می‌آید که آل بویه با آن همه محدودیت سیاسی که آنها را ناگزیر به تسامح مذهبی می‌کرد به لحاظ دینی چه روشی را پیش گرفتند که در چنان فضایی تشیع این چنین رشد کرد

اصفهان بازرگانان قم را غارت کردند. رکن‌الدوله با شنیدن این خبر کسانی را به اصفهان فرستاد و باج سنگینی را به آنها تحمیل کرد.»<sup>۲۷</sup>

بنابراین طبیعی بود که این دولت شیعی برای حفظ پایگاه و استحکام قدرت خود از هرگونه درگیری با مردم خودداری کند. از سوی دیگر حکومت عباسیان در میان مسلمین، مظهر دین اهل سنت به شمار می‌رفت و هر کس که با این حکومت مخالفت می‌کرد به منزله آن بود که با اهل سنت مخالفت کرده است. پس بوئیان مجبور به تأیید مقام خلافت بودند تا به واسطه آن پشتیبانی گروه‌های سنی مذهب را هم جلب کنند.<sup>۲۸</sup> به علاوه ساختار نظامی - اداری دیلمیان یکدست شیعه نبود، بلکه تمام سواره‌نظام ایشان از سنی مذهبان ترک بودند<sup>۲۹</sup> و یا برای منصب قضاوت ایشان از افرادی اهل سنت انتخاب می‌کردند.<sup>۳۰</sup>

از این رو شرایط سیاسی آل بویه به شکلی بود که به لحاظ مذهبی مجبور به تسامح و تساهل بودند. با این اوصاف اگر نگاهی به تاریخ آل بویه بیندازیم متوجه می‌شویم که تشیع نسبت به عمر کوتاه آل بویه، رشد بسیار زیادی کرده است، به شکلی که اگر مروری به مذهب مردم اصفهان بعد از بوئیان داشته باشیم به میزان تأثیرگذاری این سلسله بر شهر آگاه می‌شویم. در قرنهای پنجم و

۲۷- عزالدین علی بن اثیر. تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، جلد پانزدهم، ص ۳۱۸.

۲۸- ر.ک: جوتل.ن. کرم. احیای حیات فرهنگی آل بویه، ص ۷۵.

۲۹- پیشین، ص ۷۵.

۳۰- البداية و النهایة، الجزء الثاني عشر، ص ۳۴.

۳۱- علی اصغر فقیهی. آل بویه، چاپ سوم، بی‌جا، چاپخانه زیبا، ۱۳۶۰، ص ۴۵۲.

۳۲- مجمّل التواریخ و القصص، ص ۴۰۸.

و در واقع سیاست فرهنگی ایشان چگونه بود. مهمترین اقدام بویان که به لحاظ سیاسی اهمیت بسیاری داشت، رسمی کردن تشیع بود. این اقدام از آن جهت مهم است که شیعیان را از الزام به تقیه رها کند و علاوه بر آن شیعیان توانستند همانند اهل سنت سازمان رسمی فراهم کنند. این آزادی شیعی، اتفاقاً باعث تحرک بیشتر عالمان سنی هم شد، زیرا آنها به مدت سه قرن با آنکه از حمایت حکومت برخوردار بودند به آن شکل فعال نبودند. در اصفهان دوره دیلمیان به دانشمندان مهمی از اهل تسنن برمی خوریم؛ مانند ۱- ابوالحسن علی بن محمد مرزبان الاسواری از اهالی اصفهان از زهاد مشهور، محدث و پیرو فرقه معتزله. ۲- ابوالحسن احمد بن علی اللبثانی از جمله محدثان مشهور حنبلی مذهب ۳- ابومحمد عبداللّه بن عقیل الجارودی از مروان معتزلی ۴- ابومحمد عبداللّه بن محمد عبدالرحمن اصفهانی از مشاهیر شافعی و محدثینی که در بغداد و اصفهان و مکه از اکابر دانشمندان حدیث شنیده بود. ۵- از جمله متکلمان سنی ابوبکر بن فورک اصفهانی که خطیب و متکلم و واعظ ۳۷ اشعری مذهب بود و بیش از یک صد جلد کتاب در فقه، اصول و تفسیر نوشت ۳۸ و این زمانی است که برخی از مخالفان شیعه که اطلاعاتی از علم کلام و فلسفه داشتند سر و صورتی به شبهات خود دادند و موجب گمراهی برخی از مردم کم اطلاع شیعه می شدند و نیز به علت آنکه غیبت کبری ۳۹ در زمان آل بویه شروع شد، در نبود امام معصوم (ع) عده ای به نشر اکاذیب و جعل احادیث پرداختند و فضای فرهنگی مسمومی را بر ضد شیعه ایجاد کردند.

از سویی شیعیان در درون خود مشکلات فرهنگی مهمی داشتند. تا این زمان شیعیان به فرقه های مختلف تقسیم شده بودند، اما با شروع غیبت کبری این مشکل پایان یافت و مشکل دیگری ظهور کرد و آن عدم حضور امام بود که یک بلا تکلیفی به وجود آورده بود که در کنار جو مسموم فرهنگی که بر ضد شیعه به وجود آمده بود بسیار خطرناک می نمود.

شیعیان چگونه بر این مشکل فایز آمدند؟ آنها ابتدا با مسأله اجتهاد و تقلید از مجتهدین و انتخاب مرجع از طرف مردم، معضل عدم حضور معصوم (ع) را جبران کردند. اما هنوز این کافی نبود بلکه به متفکرانی بزرگ احتیاج بود که پاسخگوی مسائل فرهنگی باشند و بتوانند آثار و احادیث معصومین را جمع آوری کنند و اجازه تداخل اکاذیب و احادیث مجعول را ندهند و نیز پاسخ شبهات مخالفان را بدهند و به یک معنا اصول اعتقادی شیعه را تدوین کنند. در دوره آل بویه، این مهم به دست متفکران بزرگی چون شیخ صدوق یا شیخ طوسی و شیخ مفید صورت گرفت. آنان در حقیقت یک جریان فرهنگی قوی ایجاد کردند که به دنبال آن بسیاری از محدثان و مفسران حرکت کردند. در اصفهان هم شاهد درخشش عالمان شیعی هستیم که عبارت اند از ۱- ابوسعيد عبداللّه بن محمد بن عبدالوهاب اصفهانی (ف ۳۸۷)، وی محدث و از شمار مشایخ صدوق بود. ۲- حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه (ف ۴۱۶)، معروفترین فرد از خاندان مردویه که

۳۳- محمد بن اسحاق بن ندبه. الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد. چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۳۹۷.

۳۴- الحافظ ابوالشیخ. طبقات المحدثین باصبهان، الجزء الرابع، الطبقة الثانية، بیروت مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲، ص ۲۵۴.

۳۵- خطیب بغدادی. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۳۹۸، به نقل از صبری احمد لافی الغریری. الحركة الفكرية العربية فی اصفهان، ص ۲۱۳.

۳۶- مصلح الدین مهدوی. تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، چاپ دوم، اصفهان، کتابفروشی ثقیفی، ۱۳۴۸، ص ۵۹.

۳۷- شمس الدین احمد بن خلکان. وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، الجزء الرابع، الطبعة الثانی، قم، منشوریات الشریف الرضی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۲.

۳۸- زکریا قزوینی. آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۳۵۷.

۳۹- از سال ۳۲۹ غیبت کبری آغاز شد، یعنی تقریباً آغاز حکومت آل بویه.

۴۰- مهدی فقیه ایمانی. تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۲۱.

کتابهایی در تفسیر قرآن و فضایل امیرالمؤمنین و مستخرج صحیح بخاری نوشت. قبرش ظاهراً در سده ماریین است و به بابا دومرده معروف است.<sup>۴۱</sup>

۳- ابوالحسن علی بن احمد بن عبدالله علی بن عبدالله بن احمد اسواری اصفهانی از محدثان (ف ۳۸۱).<sup>۴۲</sup> به هر حال تعداد عالمان دینی شهر به قدری زیاد است که در این مقال نمی‌گنجد. مافروخی اسامی ۹۸ تن از علمای اصفهانی این دوره را ذکر کرده است.<sup>۴۳</sup>

به هر حال یکی از رجال مهمی که از دانشمندان و اهل علم و از بزرگان سیاست بود و در شکل‌گیری جریان فرهنگی شیعی نقش بسیار مهمی داشت و شایسته است که نامش جداگانه ذکر شود، صاحب‌بن عباد است. وی مدتی کاتب مؤیدالدوله بود و سپس به وزارت فخرالدوله رسید،<sup>۴۴</sup> و مدت زیادی از عمر خود را در اصفهان گذراند. وی به مراکز شیعه‌نشین مثل قم عنایت خاصی داشت.<sup>۴۵</sup> او داعیانی برای تبلیغ تشیع به اطراف می‌فرستاد<sup>۴۶</sup> و حتی کتب زیادی برای اهل علم و طلاب وقف کرد.<sup>۴۷</sup> در زمان آل‌بویه فضای باز فرهنگی-سیاسی همچنان باقی بود، چنانکه مسند قضاوت مدتی در دست یک فقیه شافعی<sup>۴۸</sup> بود. شاید این نکته که مسند قضاوت در دست سنی‌ها بود، این شائبه را به وجود بیاورد که آزادی مذکور بیشتر سیاسی بوده است. ولی این چنین نیست. زیرا اندیشمندان شیعه آگاه بودند که آنچه مانع درک درست دین می‌شود، تعصبات بی‌جهت است. پس سعی در ایجاد قضایی آزاد کردند که هر کس اندیشه خود را عرضه کند و البته می‌دانستند در چنین شرایطی هر مذهبی که توانایی فرهنگی بیشتری داشته باشد در عمل پیروز می‌شود و گسترش سریع شیعه شاهد این مدعاست و آنان به شدت مراقب بودند که جنبه فرهنگی فضای آزاد به جنبه کاملاً سیاسی تبدیل نشود. به طوری که ابوسلیمان در مدح عضدالدوله نوشت: تا آنجا که بر اهل دانش و فرهنگ مربوط می‌شود، شاه آنها را تقویت کرد، گفتارشان را منزلت بخشید و بند از زبان ایشان برداشت تا هر یک از آنها معتقدات فرقه خویش را بدون تقیه ابراز

کند، در نتیجه آشکار شود آنچه آنها ادعا می‌کنند و معلوم شود آنچه بدان معتقدند و حق از باطل جدا شود و چنان امنیتی پدید آید که کسی با زبان تعصب دینی به دیگری هجوم نبرد.<sup>۴۹</sup> این سیاست کاملاً مؤثر بود تا آنجا که عده‌ای از تجار شیعی قمی به اصفهان کوچ کردند و تعداد شیعیان رو به فزونی نهاد.<sup>۵۰</sup> اما شاید گفته شود که چون حکومت در دست شیعیان بوده است به هر حال مردم به شکل حقیقی شیعه نشدند، بلکه ظاهراً به منظور ارتباط با مرکز قدرت و به دست آوردن امتیازاتی شیعه می‌شدند ولی اتفاقات بعدی کاملاً مؤید این نکته است که این روند یک روند حقیقی فرهنگی بود. زیرا وقتی مسعود غزنوی سنی، شهر را فتح کرد مردم در مقابل او سر به شورش برداشتند<sup>۵۱</sup> و نیز در مقابل طغرل سلجوقی که او هم سنی بود یک سال سرسختانه مقاومت کردند.<sup>۵۲</sup> به هر حال پیروزی سلجوقیان سنی مذهب به این میان‌پرده شیعی ایرانی پایان داد ولی آنچه که ادامه یافت و هرگز خاموش نشد، رشد و گسترش فرهنگ شیعه بود.

- ۴۱- مصلح‌الدین مهدوی. تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۶۰.
- ۴۲- مهدی فقیه ایمانی. تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۳۰.
- ۴۳- فضل‌بن سعدالمافروخی. محاسن اصفهان، صص ۲۹-۳۱.
- ۴۴- ابومنصور ثعالبی. تیمته‌الدهر، الجزء الثانی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا، ص ۱۹۰.
- ۴۵- حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تهران طوس، ۱۳۶۱، ص ۶.
- ۴۶- ابوعبدالله محمدبن احمد مقدسی. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، جلد دوم، ص ۵۹۰.
- ۴۷- تاریخ قم، پیشین، ص ۶.
- ۴۸- ابوالدعاء ابن کثیر. البدایة و النهایة، الجزء الثانی عشر، ص ۳۲.
- ۴۹- جوئل ل. کرم. احیای حیات فرهنگی آل‌بویه، ص ۳۸۸.
- ۵۰- جمعی از نویسندگان. دایرةالمعارف تشیع، جلد دوم، تهران، سازمان دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۶۹، ص ۲۱۸.
- ۵۱- عزالدین علی بن اثیر. تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، جلد شانزدهم، ص ۱۱۲.
- ۵۲- عزالدین علی بن اثیر. تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، جلد شانزدهم، ص ۲۶۶.